

### یادداشت

### گردابی چنین حائل

به جای صرف هشتت میلیارد دلار برای واردات بنزین (به گفته خود مقامات دولتی ولی رئیس‌جمهور گفتند چهار میلیارد. کدام درست است؟) آن را صرف گوگردزایی یا احداث ایرومکس در پالایشگاه‌ها کرده و فرآورده‌ها را صادر کنیم. می‌گویند گوگردزایی سخت است، ولی باید بگوییم می‌شود. اراده می‌خواهد و شاید نیازی هم به بیگانگان نباشد.

۳- به جای مازوت‌سوزاندن برای تولید برق و همچنین تعطیلی کارخانجات، همه مصرف‌کنندگان از جمله کارخانجات را موظف به صرفه‌جویی ۲۰ درصد در برق کنیم و ملاک آن را مثلا اردیبهشت ۱۴۰۴ قرار دهیمشت ۲۰۲۰ درصد حسب مصرف اردیبهشت همه‌ماه صرفه‌جویی کنند و مازاد مصرف را یا با جریمه سنگین یا قطع انشعاب پاسخ دهیم. آن وقت همه مهندسان کارخانجات با مهندسی و همه مردم با درایت صرفه‌جویی خواهند کرد. این معنی استنکا به دانش و عقل مردم است؟ آیا حکمرانی این اتکا را در خود می‌بیند؟

۴- درست است که طبیعت با ما سر ناسازگاری گذاشته و نزولات آسمانی کم شده اما به‌شدت تقصیرکار هستیم. حقیابه دریاچه‌ها و تالاب‌ها را برقرار کنیم و سهم کشاورزی را ۲۰ درصد کاهش دهیم و تصفیه‌خانه‌های فاضلاب و آب‌خیزداری و آبخوان‌داری را جدی بگیریم. اگر برای همه امور جاری پول چاپ کنیم، چرا برای امور حیاتی کشور پول چاپ نکنیم. به جای بودجه تورمی بودجه انتیاضی بنیدیم و این همه مصرف هزینه‌های غیرمفید مثل تبلیغات نکنیم. اگر تبلیغات مؤثر بود، امروز سرنوشت جهان به گونه دیگری بود.

۵- کارخانه‌های خودروسازی را موظف ساختاری عاملان خشونت علیه کم‌مصرف در حداکثر ظرفیت کنیم و خودروسازها فقط خودروی هیبریدی تولید کنند و به جای واردات خودروهای لوکس (نمایشگاه‌های خیابان مطهری و بهشتی و شمال شهر را ببینید) در صورت ضرورت فقط خودروی هیبریدی اقتصادی وارد کنند.

۶- حمل‌ونقل کالا را تا می‌توانیم به راه‌آهن بسپاریم و در این کار جدی باشیم.
۷- به آینده‌کنشاورزی بیندیشیم.کنشاورزی در حال اضمحلال است و ما سالانه ۲۰ میلیارد دلار محصولات کنشاورزی وارد می‌کنیم، ولی هم کالای اساسی تولید نمی‌کنیم و هم ضایعات‌مان زیاد است و هم قیمت‌های میوه و صیفی و سردرختی بسیار بالا رفته است. هم آب کشور را تمام کرده‌اند و هم ملت دستش به خارج دراز است.

۸- برق خورشیدی را خیلی جدی برای جایگزینی گاز نیروگاه‌ها و بسیاری مصرف‌ دیگر پیگیری کنند. هند سالانه ۲۲ هزار کماتوا برق خورشیدی نصب می‌کند. ما چرا نتوانیم. خوشبختانه در همین هفته کنفرانس و نمایشگاه بین‌المللی بهینه‌سازی مصرف و بهره‌وری انرژی برپا شد و بزرگان سیاست و انرژی سخنانی شایسته بیان کردند اما همه این سخنان حل مسائل را حواله به آینده نامعلوم می‌داد. ما نیاز به تصمیم‌گیری‌های شجاعانه، صریح وزودبازده داریم و شرکت‌کنندگان در نمایشگاه این کنفرانس با اندکی دلگرمی می‌توانند پاسخ‌گوی حال بسیاری مسائل باشند ومکمل سیاست‌هایی که در بالا ذکر شد،قرار گیرند. باید همه و ازجمله حکمرانی قبول کند که کشور به نقطه خطر رسیده و تصمیمات اورژانسی برای آن لازم است، نه آنکه بی خیال مثل آنکه اتفاقی در راه نیست، با واهمه از مردم تصمیماتی بدون اولویت بگیرند. مثل آنکه برای فوتبال در جام جهانی دل بسوزانند، بدون آنکه قادر به کاری باشند. اولویت‌ها کجاست؟ فوتبال است؟ فرودگاه پاک است؟ یا نخل‌های سوخته و تالاب‌های خشک و زمین‌های فروهشته و هوای بامق؟

البته کارهای دیگر هم می‌توان کرد، ولی باید از مردم نترسید و آنان را رفیق شمرد و به مردم اعتماد کرد و به جای روش‌های پولسی، روش‌های عملیاتی را برگزید. لازم نیست رئیس‌جمهور همه جا برود و با همه ملاقات کند و برای سالگرد هر موضوعی حضور یابد و سخنرانی کند و حرف‌های بدیهی بزند. رئیس‌جمهور در محل خود مستقر باشد و همین کارها و شیبه به آن را که در راستای کشور ایران و توانمندی کشور عزیزمان تابش، پیگیری کند و به کارهای مثبت‌فره و دهن‌پرکن و تبلیغاتی نپردازد. اگر اینها را درست کند، لطفی بزرگ به ایران برای حفظ آن کرده است و مردم هم اگر هوای خوب داشته باشند، به بنزین کمتر و مصرف آب کمتر و برق کمتر راضی خواهند بود، زیرا می‌دانند که سلامت بیشتری خواهند داشت. از این سطحی‌نگری‌ها به‌سادگی رد نشوید و به دید تمسخر به آن ننگرید.

### انصاف، عقلانیت و خیر عمومی خواسته ملت ماست

حتما یادتان هست آقایی را که پاییز سال گذشته در راه بازگشت به ایران از سمرقند و بخارا، در هواپیما کنار دست ما نشسته بود و می‌گفت که برای شرکت در مسابقه دو ماراتن به سمرقند آمده و ده‌ها میلیون تومان پول خرج کرده است. این حرف‌ها به‌تازگی به‌راحتی در جلسات مربوط به سبک زندگی شهری در دانشکده‌های شهرسازی دانشگاه‌های کشورمان نیز مطرح می‌شوند و مورد بحث و استقبال قرار می‌گیرند. و من شک ندارم که این موج شادی و سلامتی روزی نه خیلی دور، بسیاری از شهرهای ما را نیز در خود خواهد گرفت... البته ای کاش واقعیت هم به همین خوبی و روانی و بی‌مسئله پیش می‌رفت. ورزشکارهایی که ماه‌ها طولانی تمرین‌های سخت داشتند تا به کیش بروند، نگران زرمزه‌هایی مبنی بر تعطیلی ماراتن بودند. گویا اوایل قرار بوده این ماراتن مثل هر جای دیگر دنیا مختلط باشد؛ اما بعد، تفکیک شده است. شروع ماراتن بانوان هم چند بار به تأخیر افتاده، ولی بالاخره انجام شده و اکثر ورزشکارها همان شب به شهرهای‌شان برگشتند. جنبه‌های اقتصادی نیز مهم بوده‌اند. جعفر بخشی نوشته است: «آمار می‌گوید پنج هزار نفر آقا و خانم در دو ماراتن کیش شرکت کردند. اتفاقی که توانست در این کسادی بازار و بسته‌بودن دکان‌های پاساژها در جزیره بیش از ۲۵ هزار گردشگر را وارد کیش کند و خواب جزیره را در این پاییز یی رونق به هم بریزد. مسلم است که اگر چنین رویدادهایی در ایران محدود شوند، شرکت‌کنندگان به سمت ماراتن دومی می‌روند و فرصتی دیگر از ما گرفته می‌شود، مانند مورد مسابقات جام جهانی قطر.

به هر حال دو ماراتن کیش اگر چه شوروی برانگیخت و باعث شادی جمعیت کیش شد، اما حاشیه‌هایی نیز داشت. از خود می‌پرسیم در جامعه‌ای که برابری زن و مرد در آن مدت‌هاست جا افتاده، چرا همچنان هر اختلاطی بین زن و مرد در ایران باید نکوهش شود و آن را دست‌مایه هتک حرمت کنند؟ در جامعه‌ای که عملا در آن همه به هم احترام می‌گذارند و آقایان به‌طور کلی هرگز زنان بدحجاب را به چشم بد نگاه نمی‌کنند. در برابر این ادعا که در کیش کشف حجاب رخ داده و عفت عمومی جریحه‌دار شده، حتی مسئولان محلی در جزیره تأکید داشتند که گروه بانوان و آقایان در این مسابقه ورزشی کاملا جدا و در ساعت‌های مختلف دویدند. همه می‌دانیم مردم به ورزش، شادی و تفریح نیاز دارند. چرا باید با شادی مردم مخالفت شود؟ در کیش موقعیت جزیره و لجستیک بندری، امکانات ورزشی، گردشگری، سیاحتی، اقامتی، درمانی، تجاری و تفریحی یک گزینه مناسب و تمام‌عیار برای همکاری در میزبانی جام جهانی بود، اما اتفاق نیفتاد. از سود هنگفت ارزی و جذب گردشگر هم که بگذریم، رقابت و هم‌ترازی ایران با دیگر همسایگانش در رویدادهای مختلف، آرزوی هر ایرانی است. به دیگر موارد پیش‌آمده هم می‌توان اشاره کرد: ریختن به میهمانی خصوصی هنرمندان... یا منع ورود کلی آدم‌های عادی به دانشگاه‌ها... که برای من همین پیروزی بیش بود. وقتی از خانم مدیر مهربان دانشگاه اجازه گرفتم و او به‌سادگی گفت: اختیار دارید. خواهش می‌کنم! معلوم شد که دانشگاه دژ بلندی نیست و ماییم که بیخود می‌ترسیم... خلاصه آنکه اگر انصاف، عقلانیت و خیر عمومی در مقوله ارتباطات اجتماعی بگنجد و نادیده گرفته نشوند، نه‌تنها هیچ حقی از احاد ملت ضایع نخواهد شد، بلکه امید به آینده‌ای روشن جای بدبینی و فرار را خواهد گرفت.

**مریم لطفی**: در حالی که تنش‌ها و درگیری‌های مسلحانه در چند نقطه جهان از جمله غزه، سودان و... ادامه دارد، سازمان‌های بین‌المللی از افزایش کم‌سابقه قتل روزنامه‌نگاران طی سال گذشته خبر می‌دهند؛ روندی که در گزارش‌های سه نهاد اصلی «خبرنگاران بدون مرز»، «کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران» و یونسکو، با وجود برخی تفاوت‌ها در آمار، بر افزایش تهدیدها و خشونت علیه خبرنگاران تأکید دارند. بر اساس جمع‌بندی این نهادها، دست‌کم ۶۷ خبرنگار در سال ۲۰۲۴ و اوایل ۲۰۲۵ در جریان پوشش جنگ‌ها، حملات هدفمند و خشونت‌های سازمان‌یافته جان خود را از دست داده‌اند؛ رقمی که بخش قابل توجهی از آن به درگیری‌های خاورمیانه به‌ویژه غزه و همچنین مناطق بحرین‌زده در آمریکای لاتین و آفریقا مربوط می‌شود. در واقع، بیش از نیمی از آنها قربانی اقدامات نیروهای مسلح، شبه‌نظامیان و شبکه‌های جنایت سازمان‌یافته بوده‌اند. علاوه بر این، بیش از ۵۰۰ خبرنگار در سراسر جهان زندانی هستند و ده‌ها نفر مفقود یا گروگان گرفته شده‌اند. هم‌زمان، کارشناسان هشدار می‌دهند مصونیت ساختاری عاملان خشونت علیه رسانه‌ها همچنان پابرجاست و شکاف امنیتی برای خبرنگاران، به‌ویژه نیروهای محلی و مستقل، هر روز عمیق‌تر می‌شود. این داده‌ها نه‌تنها نشان‌دهنده خشونت فیزیکی و هدفمند علیه روزنامه‌نگاران است، بلکه بر اهمیت حمایت‌های حقوقی، تقویت امنیت حرفه‌ای و نظارت بین‌المللی بر حفاظت از خبرنگاران تأکید می‌کند. از رپوده‌شدن و قتل در میدان‌های جنگ تا تهدیدهای دیجیتال علیه زنان خبرنگار، تصویر کلی، محیط کاری پرخطر و چندلایه را برای فعالان رسانه‌ای در جهان ترسیم می‌کند.

**مریم لطفی**: در حالی که تنش‌ها و درگیری‌های مسلحانه در چند

نقطه جهان از جمله غزه، سودان و... ادامه دارد، سازمان‌های بین‌المللی از افزایش کم‌سابقه قتل روزنامه‌نگاران طی سال گذشته خبر می‌دهند؛ روندی که در گزارش‌های سه نهاد اصلی «خبرنگاران بدون مرز»، «کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران» و یونسکو، با وجود برخی تفاوت‌ها در آمار، بر افزایش تهدیدها و خشونت علیه خبرنگاران تأکید دارند. بر اساس جمع‌بندی این نهادها، دست‌کم ۶۷ خبرنگار در سال ۲۰۲۴ و اوایل ۲۰۲۵ در جریان پوشش جنگ‌ها، حملات هدفمند و خشونت‌های سازمان‌یافته جان خود را از دست داده‌اند؛ رقمی که بخش قابل توجهی از آن به درگیری‌های خاورمیانه به‌ویژه غزه و همچنین مناطق بحرین‌زده در آمریکای لاتین و آفریقا مربوط می‌شود. در واقع، بیش از نیمی از آنها قربانی اقدامات نیروهای مسلح، شبه‌نظامیان و شبکه‌های جنایت سازمان‌یافته بوده‌اند. علاوه بر این، بیش از ۵۰۰ خبرنگار در سراسر جهان زندانی هستند و ده‌ها نفر مفقود یا گروگان گرفته شده‌اند. هم‌زمان، کارشناسان هشدار می‌دهند مصونیت ساختاری عاملان خشونت علیه رسانه‌ها همچنان پابرجاست و شکاف امنیتی برای خبرنگاران، به‌ویژه نیروهای محلی و مستقل، هر روز عمیق‌تر می‌شود. این داده‌ها نه‌تنها نشان‌دهنده خشونت فیزیکی و هدفمند علیه روزنامه‌نگاران است، بلکه بر اهمیت حمایت‌های حقوقی، تقویت امنیت حرفه‌ای و نظارت بین‌المللی بر حفاظت از خبرنگاران تأکید می‌کند. از رپوده‌شدن و قتل در میدان‌های جنگ تا تهدیدهای دیجیتال علیه زنان خبرنگار، تصویر کلی، محیط کاری پرخطر و چندلایه را برای فعالان رسانه‌ای در جهان ترسیم می‌کند.

### قربانی خشونت نظامی

«روزنامه‌نگاران فقط «نمی‌میرند»، کشته می‌شوند»؛ این عبارتی است که در گزارش خبرنگاران بدون مرز (RSF) در دسامبر سال ۲۰۲۵ آمده است. این جمله بخشی از بیانیه «تیبو بروتین»، مدیرکل RSF است که در توضیح وضعیت قتل خبرنگاران و خطراتی که متوجه روزنامه‌نگاران در جهان است، آمده و تأکید می‌کند خبرنگاران صرفا قربانی حوادث نیستند بلکه هدفمند کشته می‌شوند. در گزارش خبرنگاران بدون مرز (RSF) و ۲۰۲۵ یونسکو گفته شده شمار روزنامه‌نگارانی که در یک سال گذشته به‌خاطر فعالیت‌های رسانه‌ای خود کشته شده‌اند، بار دیگر افزایش یافته است. از زمان آخرین گزارش RSF، ۶۷ روزنامه‌نگار به‌خاطر فعالیت رسانه‌ای خود کشته شده‌اند. دست‌کم ۷۹ درصد از این افراد قربانی نیروهای مسلح یا گروه‌های شبه‌نظامی کوه (۳۷ نفر) و شبکه‌های جنایت سازمان‌یافته (۱۶ نفر) بوده‌اند. این ارقام نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از قتل‌ها هدفمند و مرتبط با خطرات نظامی و جرائم سازمان‌یافته بوده است، نه صرفا تصادفی یا ناشی از حوادث. ارتش اسرائیل عامل قتل بیش از ۴۳ درصد از قتل‌های خبرنگاران در ۱۲ ماه گذشته است و از اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون نزدیک به ۲۲۰ روزنامه‌نگار را کشته که دست‌کم ۶۵ نفر از آنها به‌خاطر فعالیت رسانه‌ای خود یا جین انجام کار جان باخته‌اند. در مکزیک، گروه‌های جنایت سازمان‌یافته مسئول جیش نگران‌کننده قتل روزنامه‌نگاران در سال ۲۰۲۵ هستند. این سال مرگ‌بارترین سال دست‌کم در سه سال گذشته برای خبرنگاران در این کشور بوده و ۹ کشته، مکزیک دومین کشور خطرناک جهان برای روزنامه‌نگاران محسوب می‌شود. از سوی دیگر، روند خشونت علیه خبرنگاران در آمریکای لاتین کسترش یافته و ۲۴ درصد از قتل‌های خبرنگاران جهان در این منطقه رخ داده است. در سودان، چهار خبرنگار کین کار کشته شدند که دست‌کم دو نفر از آنها پس از رپوده‌شدن توسط نیروهای پشتیبانی سریع جان باخته‌اند. خبرنگاران بدون مرز گزارش داده که فقط دو خبرنگار خارجی در خارج از کشور خود کشته شدند: اتنوانی لالیکان، عکاس فرانسوی در اوکراین و خاویر هرولس، خبرنگار سالوادوری در هندوراس. دیگر قربانیان در کشورهای خود هنگام گزار شگری جان باخته‌اند.

### بیشترین خطر در مناطق جنگی

طبق گزارش یونسکو در سال ۲۰۲۴ و به‌روزرسانی آن در ژانویه ۲۰۲۵، حداقل ۶۸ روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای هنگام انجام وظیفه جان خود را از دست داده‌اند. بیش از ۶۰ درصد از این قتل‌ها در کشورهای درگیر جنگ رخ داده است. بالاترین درصد در بیش از ۱۰ سال گذشته محسوب می‌شود. براساس این گزارش، از ۴۲ قتل ثبت‌شده روزنامه‌نگاران در مناطق جنگی،

# مرگ در خط خبر

## براساس گزارش‌های جهانی، بیش از ۶۷ خبرنگار در سال ۲۰۲۵ جان خود را از دست دادند؛ بیشتر قربانیان مورد حملات هدفمند نیروهای مسلح، شبه‌نظامیان و گروه‌های جنایت سازمان‌یافته قرار گرفتند

بیشترین قربانیان شامل ۱۸ نفر در فلسطین، چهار نفر در اوکراین و کلمبیا، در هریک از کشورهای عراق، لبنان، میانمار و سودان سه نفر و همچنین در سوریه، چاد، سومالی و جمهوری دموکراتیک کنگو یک نفر بوده‌اند. این آمار نمایانگر پراکندگی گسترده خطر برای خبرنگاران در مناطق بحران‌زده جهان است. در مجموع، تعداد روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای کشته‌شده در سال ۲۰۲۴ به ۶۸ نفر رسید که نسبت به ۷۴ نفر در سال ۲۰۲۳ و ۸۸ نفر در سال ۲۰۲۲ روند کاهشی را نشان می‌دهد؛ هرچند در این گزارش گفته شده بررسی چند مورد همچنان ادامه دارد. این کاهش عمدتا به دلیل کاهش قتل‌ها در کشورهای غیرجنگی بوده است؛ در این مناطق ۲۶ خبرنگار جان خود را از دست دادند؛ کمترین رقم ثبت‌شده در ۱۶ سال اخیر. یونسکو تأکید می‌کند حفاظت از خبرنگاران در مناطق جنگی و غیرجنگی اهمیت حیاتی دارد و خواستار اقدام فوری دولت‌ها برای تضمین امنیت رسانه‌ها مطابق قوانین بین‌المللی است.

### مصونیت قاتلان و تهدید مداوم خبرنگاران

براساس داده‌های یونسکو از رصدخانه قتل خبرنگاران (UNESCO)، بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ بیش از هزار و ۸۰۰ روزنامه‌نگار در سراسر جهان کشته شده و نزدیک به ۹۰ درصد این پرونده‌ها هنوز به‌صورت قضائی حل نشده‌اند. یونسکو هشدار می‌دهد این وضعیت مصونیت گسترده قاتلان نه‌تنها به افزایش قتل‌ها و تشدید درگیری‌ها دامن می‌زند، بلکه کل جامعه را نیز در معرض آسیب قرار می‌دهد؛ زیرا تخلفات حقوق بشری، فساد و جرائم سازمان‌یافته پنهان می‌شوند و دولت‌ها و جامعه مدنی را ملزم می‌کند برای پایان‌دادن به این چرخه خشونت و بی‌عدالتی اقدام کنند. به همین دلیل، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳ با تصویب قطع‌نامه A/RES/68/163، دو نوامبر را «روز بین‌المللی پایان‌دادن به مصونیت جرائم علیه روزنامه‌نگاران» اعلام کرد. این تاریخ به یادبود ترور دو خبرنگار فرانسوی در مالی در ۲ نوامبر ۲۰۱۳ انتخاب شده است.

### ۵۰۳ روزنامه‌نگار در بازداشت

براساس گزارش خبرنگاران بدون مرز، تا اول دسامبر ۲۰۲۵، ۵۰۳ روزنامه‌نگار در ۴۷ کشور بازداشت شده‌اند. چین با ۱۲۱ زندانی همچنان بزرگ‌ترین زندان روزنامه‌نگاران جهان است و پس از آن روسیه با ۴۸ زندانی و میانمار با ۴۷ زندانی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. روسیه بیشترین تعداد خبرنگار خارجی زندانی در جهان را دارد که شامل ۲۶ خبرنگار اوکراینی می‌شود و پس از آن اسرائیل با ۲۰ خبرنگار خارجی در رتبه دوم قرار دارد. تا همان تاریخ، ۱۱۳ فعال رسانه‌ای تحت رژیم شی جین‌پینگ در چین زندانی هستند و هشت نفر دیگر در هنگ‌کنگ، وضعیت در کشورهای روسیه، گرجستان، آذربایجان و بلاروس تهدید جدی علیه آزادی مطبوعات را نشان می‌دهد و محدودیت‌های گسترده‌ای بر فعالیت رسانه‌ها تحمیل کرده است.

### ۷۲ درصد از خبرنگاران مفقود در خاورمیانه و آمریکای لاتین

هم‌اکنون ۱۳۵ خبرنگار در ۳۷ کشور مفقود هستند و برخی بیش از ۳۰ سال است که ناپدید شده‌اند؛ این آماری است که گزارشگران بدون مرز در سال جاری میلادی اعلام کرده است. تمرکز بالای این پرونده‌ها در مکزیک با ۲۸ خبرنگار و سوریه با ۳۷ خبرنگار مشهود است. در سوریه، بسیاری از روزنامه‌نگاران مفقود یا توسط داعش گروگان گرفته شده‌اند یا در دوره حکومت بشار اسد زندانی بوده‌اند، اما سقوط این رژیم‌ها تاکنون منجر به بازگشت آنان نشده است. به‌طور کلی، ۲۰ درصد از خبرنگاران مفقود در خاورمیانه و آمریکای لاتین ناپدید شده‌اند، عمدتا در سوریه، عراق و مکزیک.

### ۲۰ خبرنگار در گروگان

خبرنگاران بدون مرز گزارش داده در حال حاضر ۲۰ خبرنگار در سراسر جهان گروگان هستند. حوتی‌ها هفت خبرنگار را در سال ۲۰۲۵ ربودند و یمن را به قطب گروگان‌گیری خبرنگاران تبدیل کردند. در سوریه نیز بسیاری از خبرنگاران رپوده‌شده پیش از سقوط بشار اسد هنوز مفقود هستند. دو سال از رپوده‌شدن سالک آک جدو، خبرنگار و مدیر رادیو کوتون دانسونگو، و مصطفی کونه، مجری همان رادیو محلی، در مالی می‌گذرد. آنها و دو همکار دیگرشان در ۷ نوامبر ۲۰۲۳ هنگام سفر به گاو توسط یک گروه مسلح ناشناس رپوده شدند.

## نگاه کارشناس

دکتر **ایوب اسلامیان**

## خشونت پیدا و پنهان؛ سایه‌ای بر سلامت کودک پیش از تولد

**خشونت آنلاین و تهدید علیه زنان خبرنگار**
چنانچه تاکنون گفته شد، خبرنگاران در مناطق جنگی و بحران‌زده با خطرات جدی فیزیکی، از جمله رپوده‌شدن و قتل روبه‌رو هستند. اما تهدیدها محدود به این خشونت‌های مستقیم نیست. با گسترش فعالیت‌های خبری در فضای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، خبرنگاران به‌ویژه زنان خبرنگار بیش از پیش در معرض خشونت آنلاین قرار گرفته‌اند؛ خشوتی که علاوه بر تهدید ایمنی و سلامت روان، امکان ادامه فعالیت حرفه‌ای آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این واقعیت نشان می‌دهد محیط کار خبرنگاران در دنیای امروز چندبعدی و پیچیده است و نیازمند توجه هم‌زمان به خطرات فیزیکی و دیجیتال است.
براساس گزارش یونسکو و مرکز بین‌المللی خبرنگاران (ICFJ) با عنوان «سرمای جهانی: مطالعه‌ای جامع درباره خشونت آنلاین علیه زنان خبرنگار»، که در سال ۲۰۲۰ منتشر شده، تقریبا ۷۳ درصد از زنان خبرنگار مورد نظرسنجی اعلام کرده‌اند که تجربه خشونت آنلاین داشته‌اند. این خشونت‌ها شامل تهدید، توهین، آزار دیجیتال، تلافی‌های خصوصی توهین‌آمیز و حملات امنیتی علیه خبرنگاران بوده‌است. علاوه براین، تقریبا یک‌چهارم این زنان خبرنگار تهدیدات فیزیکی و حتی تهدید به قتل دریافت کرده‌اند و ۱۸ درصد آنها مورد تهدید خشونت جنسی قرار گرفته‌اند. نزدیک به ۲۰ درصد نیز پس از تجربه خشونت آنلاین، هدف حمله یا خشونت واقعی قرار گرفته‌اند. این آمار نمایانگر خطرات جدی برای زنان فعال رسانه‌ای و قایتبر مستقیم این خشونت‌ها بر سلامت روان، فشار برای خودسانسوری و کاهش مشارکت آنها در فعالیت‌های خبری است. یونسکو در گزارش روز بین‌المللی پایان‌دادن به مصونیت جرائم علیه روزنامه‌نگاران (IDEI۲۵) نیز بار دیگر هشدار داد که تقریبا ۷۵ درصد از زنان خبرنگار مورد نظرسنجی با خشونت آنلاین مواجه شده‌اند و یک‌چهارم آنها تهدیدات فیزیکی با تهدید به قتل دریافت کرده‌اند. با گسترش ابزارهای هوش مصنوعی برای ایجاد دیپ‌فیک (تصاویر و ویدئوهای جعلی هوش مصنوعی)، داکسینگ (لودادن اطلاعات خصوصی افراد به‌صورت آنلاین) و آزار دیجیتال، یونسکو خواستار اقدامات فوری برای حفاظت از زنان خبرنگار در فضای دیجیتال شده است. هدف از این اقدامات، ایجاد محیط امن برای فعالیت رسانه‌ای و تضمین آزادی بیان در سطح جهانی است. این داده‌ها در چارچوب رصد مستمر یونسکو و مرکز بین‌المللی خبرنگاران (ICFJ) نشان می‌دهد خشونت علیه زنان خبرنگار نه یک تهدید فردی، بلکه مسئله‌ای ساختاری و جهانی است که نیازمند سیاست‌های حمایتی، آموزش نیروهای امنیتی و رسانه‌ای و تقویت قوانین بین‌المللی برای تضمین امنیت فعالان رسانه‌ای است.

### اقدامات و هشدارهای یونسکو

یونسکو در سال‌های اخیر با هدف حفاظت از زنان خبرنگار در برابر خشونت دیجیتال، مجموعه‌ای از دوره‌های آموزشی، کمپین‌هایی از جمله #JournalistsToo و پروژه‌های حمایتی را راه‌اندازی کرده است. طبق اطلاعات منتشرشده توسط یونسکو، خشونت علیه زنان خبرنگار صرفا یک تهدید فردی نیست، بلکه ماهیتی «ساختاری» دارد، به این معنا که زنان فعال رسانه‌ای به‌خاطر جنسیت، محل فعالیت، موضوع گزارش یا شهرت خود بیشتر در معرض حملات سیستماتیک قرار می‌گیرند. یونسکو تأکید می‌کند این وضعیت، تهدیدی مستمر برای آزادی بیان و تنوع رسانه‌ای به شمار می‌آید و ضرورت اقدامات گسترده و هماهنگ برای تضمین امنیت زنان خبرنگار در فضای دیجیتال را برجسته می‌کند.



آرمی

### نگاه کارشناس

## خشونت پیدا و پنهان؛ سایه‌ای بر سلامت کودک پیش از تولد

دکتر **ایوب اسلامیان**

**خشونت علیه کودکان**، پدیده‌ای دردناک و چندبعدی است که اغلب در اذهان عمومی، به رفتارهای عینی و مشهود پس از تولد کودک محدود می‌شود. در این میان، اما حوزه‌های حیاتی و کمتر مورد توجه قرار گرفته، خشونت‌هایی است که در دوران پیش از تولد رخ می‌دهد و بنیان سلامت کودک را پیش از نخستین گریه‌اش متزلزل می‌کند. این خشونت خاموش، مصادیق متنوعی دارد؛ از غفلت از مراقبت‌های پایه دوران بارداری مانند تغذیه مناسب، پیگیری منظم پزشکی و پریش از عوامل خطرآفرین، تا خشونت مستقیم علیه زنان باردار. تنش‌های روانی شدید، ضرب و شتم، تحقیر و هر شکل از آسیب به مادر، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، بر جنین در حال رشد تأثیر می‌گذارد. تحقیقات علمی به‌وضوح نشان می‌دهند استرس، اضطراب و آسیب‌های جسمی مادر، می‌تواند منجر به عوارضی مانند زایمان زودرس، کم‌وزنی نوزاد، اختلالات رشد عصبی و حتی افزایش آسیب‌پذیری کودک در برابر بیماری‌ها در سال‌های بعدی زندگی شود. بنابراین، هر رفتاری که سلامت جسمی یا روانی مادر در دوران بارداری را متزلزل کند، در حقیقت نخستین حلقه از زنجیره خشونت علیه کودک محسوب می‌شود. از سوی دیگر، آماده‌نبودن والدین برای پذیرش نقش والدگری، زمینه‌ساز بسیاری از خشونت‌های بعدی است. ناآگاهی از نیازهای عاطفی و روانی کودک، انتظارات غیرواقع‌بینانه و نداشتن مهارت‌های مدیریت هیجان و حل تعارض، می‌تواند به فضایی آکنده از غفلت عاطفی یا پرخاشگری تبدیل شود. در یک تعریف فراگیر، خشونت علیه کودک هر فعل یا ترک فعلی است که خواسته یا ناخواسته به سلامت کودک در ابعاد روانشناختی، عاطفی، جنسی، جسمی و حتی رشد اخلاقی او آسیب وارد کند. این تعریف، دامنه مسئولیت ما را گسترده‌تر می‌کند و نشان می‌دهد خشونت فقط مشت و تحقیر آشکار نیست.

نکته حائز اهمیت دیگر، پیوند برخی مصادیق خشونت با فرهنگ و باورهای رایج حول بارداری و زایمان است. فرهنگ به‌معنای مجموعه آداب، سنن و دستاوردهای عینی و ذهنی یک جامعه، می‌تواند هم محافظ کودک باشد و هم آتشخوری برای خشونت. همان‌گونه‌که گفتمان توحیه‌کننده «تنبیه بدنی به‌عنوان ابزار تربیت» یک خشونت فرهنگی است، برخی باورهای مرتبط با بارداری نیز می‌توانند مخرب باشند. در فرهنگی که تولد دختر را ننگ می‌داند، ممکن است خشن‌ترین شکل خشونت، یعنی سقط جنین انتخابی براساس جنسیت یا غفلت عاطفی و مراقبتی از کودک دختر پس از تولد رخ دهد. همچنین، فشارهای خانوادگی و اجتماعی برای علم‌پا بر مادر باردار، نادیده‌گرفتن درد و اضطراب او یا تحمیل روش‌های خطرناک، همگی در این دسته قرار می‌گیرند. فرهنگی که از زن باردار انتظار دارد تا آخرین لحظات پیش از زایمان از کار و فعالیت معمول بازماند، زمینه‌ساز آسیب به کودک است یا در نقطه مقابل هیچ نوع فعالیت بدنی را در دوران بارداری جایز نمی‌داند به همان اندازه آسیب‌زااست. لازم است در مورد این مصادیق و زمینه‌های پنهان و فرهنگی خشونت، بیشتر گفت‌وگو و آگاه‌سازی کنیم. همه این تاملات با این امید انجام می‌شود که قلمرو امنیت برای کودکان از نخستین روزهای شکل‌گیری‌شان گسترده‌تر شود. در این مسیر حساس، نقش نظام سلامت، به‌ویژه در دوران جنینی و اوان کودکی، کاملا برجسته است. ارانه آموزش‌های ضروری درباره تأثیر سلامت روان و جسم مادر بر جنین، مشاوره‌های پیش از بارداری و پس از زایمان و شناسایی و مداخله به‌موقع در خانواده‌های پرخطر، باید در دستورکار جدی مراکز بهداشتی و درمانی قرار گیرد. فقط با نگاهی جامع و پیشگیرانه که نقطه آغازش را پیش از تولد می‌داند، می‌توانیم سایه خشونت را از آینده کودکانمان کوتاه‌تر کنیم.